

میلیتاریسم ایالات متحد هرج و مرج می آورد مصاحبه‌ی ایم‌ی گودمن با رامی خوری

ترجمه: کاظم میرآبادی

یادداشت مترجم: در تاریخ دوشنبه ۸ سپتامبر ۲۰۱۴، برنامه‌ی Democracy Now مصاحبه‌ای را با رامی خوری مدیر موسسه‌ی Issam Fares^۱ در دانشگاه آمریکایی بیروت منتشر ساخت. در این مصاحبه خوری به تبیین دیدگاه‌های خود در خصوص حمله‌ی ایالات متحد و هم‌پیمانانش به دولت اسلامی، پیامدهای آن برای منطقه و همچنین خاستگاه، علل و روند آتی حرکت جهادگرایان اسلامی پرداخت.

* * *

ایمی گودمن: پرزیدنت *اوباما* از استراتژی خود در خصوص یک حمله‌ی نظامی علیه دولت اسلامی پرده برداشت. [حمله‌ای که] ممکن است سه سال و تا بعد از دوران ریاست جمهوری‌اش به طول انجامد. این امر، هم‌زمان با اقدام ایالات متحد در خصوص اجرای بیش از ۱۴۰ مورد حمله هوایی علیه جنگجویان داعش در عراق طی یک ماه گذشته بوده است. در آخر هفته، هواپیماهای جنگی آمریکا حملات جدیدی را علیه نظامیان مجاور سد موصل، که در فاصله‌ای کمتر از ۱۵۰ مایلی شمال غربی بغداد قرار دارد، انجام دادند.

سه شنبه، *اوباما* قرار است با نمایندگان کنگره دیدار داشته باشد تا در خصوص استراتژی جدید با آنها بحث و تبادل نظر کند. چهارشنبه قرار است یک نطق طولانی داشته باشد تا جزئیات بیشتری به مردم آمریکا ارائه دهد. وی در بدو امر در روز دوشنبه رئوس کلی طرح خود را در برنامه‌ی تلویزیونی «دیدار با رسانه‌ها» [در شبکه‌ی ان.بی.سی.] تشریح کرد. *اوباما* می‌گوید استقرار مجدد نیروی زمینی در عراق را ممنوع کرده است. اما احتمال حمله‌ی هوایی در سوریه و اقدامات سیاسی و اقتصادی را همچنان ممکن می‌داند.

در نشست ناتو در روز جمعه، جان کری وزیر امور خارجه و چاک هگل وزیر دفاع گفتند که ایالات متحده رهبری حمله به دولت اسلامی را همراه با یک به اصطلاح «ائتلاف» با ۱۰ کشور رهبری خواهد کرد. این [ائتلاف] شامل کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان، کانادا، استرالیا، ایتالیا، لهستان، دانمارک و ترکیه - تنها کشور اسلامی - می‌باشد. در روز دوشنبه وزرای امور خارجه اتحادیه‌ی عرب در قاهره دیدار کردند و اعلام نمودند که با تلاش‌هایی که در راستای نبرد با نظامیانی که در بخش‌هایی از عراق و سوریه جولان می‌دهند، همکاری خواهند داشت. تصمیم آن‌ها [اگرچه] صراحتاً اعلام پشتیبانی از لشکرکشی ایالات متحد علیه دولت اسلامی نبود، اما بر حمایت از چنین تلاش‌هایی دلالت می‌کند. دبیر کل اتحادیه‌ی عرب، ژنرال نبیل العربی در این باره چنین اظهار کرده است:

1. Issam Fares Institute for Public Policy and International Affairs

2. Meet the Press

”این مساله [داعش]، نه صرفاً سیاسی است و نه صرفاً امنیتی؛ بلکه ما آن را از جوانب مختلف مورد بحث قرار خواهیم داد تا آن را متوقف و منابع‌اش را مسدود کنیم. این کار مستلزم تعامل و همکاری میان دولت‌مردان مختلف و تبادل نظرهای پیش‌دستانه و بررسی همه‌ی جوانب مساله است. به هر صورت، حمله و مواجهه هنوز پابرجاست. تصمیم برای مواجهه با این پدیده، به نحوی که بسیاری از دولت‌ها تقاضای آن را دارند تصمیم ساده‌ای نیست. همچنین از طریق مبارزه با ایدئولوژی آن، توقیف منابع مالی آن، محو علل و شرایطی که به ظهور این پدیده‌ی تروریستی افراطی انجامیده است، باید در جهت مسدود کردن منابع تروریسم تلاش کرد.“

گزارش جدیدی که توسط یک شرکت خصوصی انگلیسی ناظر بر نقل و انتقال سلاح تنظیم شده نشان می‌دهد که تجهیزات نظامی تهیه شده از سوی ایالات متحد و عربستان سعودی به دست جنگجویان دولت اسلامی افتاده است. شرکت مذکور، راکت‌ها و اسلحه‌های کوچک را مورد بررسی قرار داده است. بر روی آن‌ها عبارت «دارایی دولت ایالات متحد» حک شده بود که ظاهراً طی دوره‌ی اشغال عراق توسط نیروهای آمریکا برای تجهیز نیروهای شیعه تدارک دیده شده بود.

خب، برای توضیحات بیشتر به بیروت می‌رویم تا نظر *رامی خوری*، مدیر موسسه‌ی «سیاست عمومی و امور بین‌الملل»^۳ در دانشگاه آمریکایی بیروت و سردبیر روزنامه‌ی *بیروتی دیلی استار*^۴ را جویا شویم. آخرین مقاله‌ی او «احتراز از برپایی مجدد جنگ علیه ترور» نام دارد. ما از طریق تماس ویدیویی با او در ارتباط هستیم.

رامی خوری، به *Democracy Now* خوش آمدی. در این آخر هفته پرزیدنت *اوباما* درخصوص استراتژی‌اش در مواجهه با دولت اسلامی سخن گفته است؛ درحالی‌که تا کنون در عراق بیش از یک‌صد حمله‌ی هوایی هم ترتیب داده است. ممکن است در این‌باره توضیح بدهی؟

رامی خوری: بسیار درخور توجه است که چگونه ممکن است وی در زمینه‌ی استراتژیک، تنها طی پنج روز چنین چرخش بزرگی^۵ انجام دهد. اما به نظر من لازم است درک کنیم که ایالات متحد احساس می‌کند که باید یک کاری انجام بدهد. ایالات متحد کاملاً مطمئن نیست که بهترین کاری که باید انجام بدهد چیست. *اوباما* مرز احتیاط را نگه می‌دارد که این قابل درک است؛ چرا که ایالات متحد به تازگی از دو ماجراجویی نظامی نسبتاً فاجعه‌بار در افغانستان و عراق بیرون آمده است، و نیز ماجراجویی فاجعه‌بار سومی که من آن را کشتار با هواپیماهای بی‌سرنشین (پهپاد) در سرتاسر جهان می‌نامم، با مصونیت مطلق و بی‌هیچ‌گونه پاسخ‌گویی. طنز بی‌رحم و خشن ماجرا اینجاست که طی پانزده یا بیست سال گذشته که ایالات متحد از اقدام نظامی به منظور ضربه زدن به القاعده و گروه‌های منشعب از آن استفاده کرده، همین اقدامات یگانه مشوق و [عنصر] سازمان‌دهنده‌ی اصلی برای تجدید قوای این‌گونه

3. Issam Fares Institute for Public Policy and International Affairs

4. The Daily Star

۵. ترجمه‌ی مستقیم (واژه-به-واژه‌ی) عبارتی که *رامی خوری* در اینجا به کار می‌برد چنین است: «... اختلاف سرعت صفر تا ۶۰ مایل بر ساعت را طی پنج روز پُر کند» [م].

گروه‌های ترور مسلح اسلام‌گرا بوده است. بنابراین، هر چه بیشتر ایالات متحد به هدایت عملیات نظامی متوسل می‌شود، دامنه‌ی این تجدید قوا و قلمرویی که به کنترل این نیروها در می‌آید، افزایش می‌یابد. بنابراین، این یک معمای لاینحل واقعی برای ایالات متحد است و اقدامی است که اساساً باید توسط مردم خود منطقه هدایت شود و این مهم در حال حاضر به خوبی پیش نمی‌رود. بنابراین راهکار ساده‌ای برای آن وجود ندارد.

ایمی گودمن: رامی خوری، توضیح دهید که این تجدید قوا چگونه کار می‌کند.

رامی خوری: اگر به سرآغاز این مرحله از جنبش‌های سلفی‌گرا، و جهادی‌گونه، نظیر القاعده، باز گردیم - که با وجود اسامی بسیار گوناگون‌شان، عجالتاً آنان را اسلام‌گرایان ستیزه‌جو می‌نامیم - آن‌ها اساساً فعالیت خود را در اواخر دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی هشتاد میلادی آغاز کردند تا علیه روسیه در افغانستان بجنگند و ایالات متحد به آن‌ها با دادن آموزش نظامی و پول و چیزهایی از این قبیل کمک کرد. سپس در اواسط دهه‌ی هشتاد و متعاقباً تا دهه‌ی نود، این گروه تحت رهبری بن لادن در سودان و دیگر جاها تغییر رویه داد و تلاش کرد به ایالات متحد ضربه بزند. آن‌ها فکر می‌کردند که «دشمن دور» - نامی بود که بر ایالات متحد گذاشته بودند - یگانه دشمنی است که می‌بایست ضربه بخورد؛ چرا که این ایالات متحد بود که از تمامی دیکتاتورها در جهان عرب حمایت می‌کرد و از این رو، بهتر بود که به دشمن دور ضربه بزنند. متعاقباً، پس از این که ایالات متحد به خاورمیانه در جنگ عراق وارد شد تا کویت را آزاد کند و پس از آنکه نیروهای نظامی ایالات متحد در عربستان سعودی باقی ماندند، ایالات متحد به دشمن اصلی بدل گردید، چرا که بار دیگر همانند حضور روس‌ها در افغانستان، یک نیروی نظامی خارجی در سرزمین‌های عربی یا اسلامی بودند و از این رو لازم بود تا بیرون رانده شوند. بنابراین، اقدام نظامی از سوی قدرت‌های خارجی، چه روس باشند چه آمریکایی، تفاوتی در اصل مسأله ایجاد نمی‌کند. اقدام نظامی از سوی قدرت‌های خارجی در سرزمین‌های اسلامی عرب، پایدارترین و کارسازترین ابزار تجدید قوا در راستای جذب نیروهای جدید به این نوع جنبش‌ها بوده است. [جنبش‌هایی] نظیر القاعده، جبهه‌ی النصره، دولت اسلامی و از این قبیل، خود را به مثابه جنبش‌هایی باز می‌یابند که در حال مبارزه هستند و این را جهاد دفاعی می‌نامند. آنان در تلاش‌اند تا جوامع اسلامی را در برابر دو معضل بزرگی که احساس می‌کنند این جوامع با آن مواجه‌اند، محافظت و پالایش نمایند. یکی [از این دو معضل] رژیم‌های فاسد، غیر اخلاقی و غیر اسلامی و دیگری، تهدیدات و حملات نیروهای نظامی خارجی است. بنابراین، بار دیگر، استفاده از اقدام نظامی از سوی ایالات متحد به وخیم‌تر شدن این مشکل در درازمدت خواهد انجامید.

شما می‌توانید رد پای این [مسأله] را در اواسط دهه‌ی هشتاد میلادی ببینید. آن هنگام که کلینتون به پایگاه‌های بن لادن در سودان و دیگر مکان‌ها یورش برد. طی ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته، هر چه بیشتر ایالات متحد از قدرت نظامی برای حمله و تضعیف القاعده استفاده کرده است، همان القاعده بیشتر رشد کرده است. در صورتی که به این حرکت‌ها که زاینده‌ی القاعده هستند یا از آن تقلید می‌کنند نگاهی بیاندازید، می‌بینید که آن‌ها در حال حاضر پایگاه دارند. پایگاه کوچک؛ اما آنان در سومالی، یمن، سوریه، عراق، نیجریه، مالی، لیبی، پاکستان، افغانستان و شاید در جاهای دیگر نیز پایگاه دارند.

در حال حاضر، این گروه‌ها از سوی این جوامع حمایت نمی‌شوند. آن‌ها تمایل ندارند که میلیون‌ها پشتیبان و هوادار را به سمت خود جذب کنند. آن‌ها از سوی بخش عظیمی از اعراب و مسلمانان طرد شده‌اند و صرفاً قادرند در جاهایی به فعالیت بپردازند که در آن‌جا هرج و مرج وجود دارد. میلیتاریسم آمریکایی در افغانستان، عراق و دیگر جاها به همراه خود آشوب برده است. به این علت است که من بسیار نگران اجرای مجدد جنگ کاملاً مجرمانه و در واقع ناموفق جورج دبلیو بوش هستم.

ایمی گودمن: پرزیدنت اوباما روز دوشنبه از طریق برنامه‌ی تلویزیونی «دیدار با رسانه‌ها» چنین گفته است:

«ما نمی‌خواهیم ۱۰۰ هزار نظامی آمریکایی را روانه کنیم. ما برآنیم تا بخشی از یک ائتلاف بین‌المللی باشیم و در حمایت از نیروهای زمینی عراق و نیروهای کرد حملات هوایی صورت دهیم. هدف ما کمک به تهیه طرحی برای آنان است تا از طریق آن، بتوانند سرزمین‌هایی را که دولت اسلامی تسخیر کرده، پس بگیرند. به هر حال، آنچه من از مردم می‌خواهم که درک کنند این است که طی یک دوره‌ی چند ماهه ما قصد داریم قادر شویم که نه فقط از شتاب داعش بکاهیم، بلکه بر آن هستیم تا به نحوی سیستماتیک قابلیت‌هایش را کاهش دهیم. ما می‌خواهیم قلمرویی که آن‌ها تحت اختیار گرفته اند را کوچکتر کنیم و نهایتاً آنان را شکست دهیم.»

این‌ها سخنان پرزیدنت اوباما در روز دوشنبه بود. رami خوری، ممکن است در خصوص دیگر دولت‌هایی که ملحق می‌شوند و به ویژه کشورهای عربی صحبت کنید؟ آن‌ها در کجا با این تصویر انطباق می‌یابند؟

رامی خوری: خب، مشکل کشورهای عرب لین است که غالب آنان در قبال ایجاد و گسترش غیرعامدانه اما آشکار این نوع از گروه‌های سلفی، جهادی، افراط‌گرا و اسلام‌گرای ستیزه جو مسئول هستند. اگر به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی باز گردید، جایی که این گروه‌ها تازه در حال شکل‌گیری بودند، زایشگاه القاعده و گروه‌هایی چون آن، زندان‌های سعودی، مصر، اردن، عراق، سوریه و تونس بوده است. زندان‌های رژیم‌های عربی، همان جایی است که این جنبش‌ها در آن متولد شدند. مردان جوان رادیکالیزه شدند؛ سپس از زندان آزاد شدند و متعاقباً به نیروهای جهادی بدل گشتند. آن‌ها به افغانستان رفتند. بن لادن آنان را سازماندهی کرد. سازمان سیا کمک‌شان کرد و سپس رهایشان ساختند تا بروند. این، حضور نظامی آمریکا در منطقه بود که این شرایط را ایجاد کرد. در ولقع، به ابومصعب الزرقاوی که اردنی بود اجازه داد که وارد شود و یک شاخه‌ی القاعده را در آن جا بکارد، سپس همان گسترش یافت.

بنابراین، مشکل این است که تمامی این کشورهای عربی در همان مخصصه‌ای هستند که آمریکا نیز در آن قرار دارد. این مخصصه خودکامگی آن‌ها و بدرفتاری آنان با شهروندان‌شان است که این مشکل را طی سال‌ها خلق کرده است؛ و میلیتاریسم آمریکایی نیز بخشی از نیروی برانگیزاننده‌ای است که این مشکل را گسترش می‌دهد. بنابراین، تلفیق میلیتاریسم آمریکایی با دیکتاتوری عربی، احتمالاً ابلهانه‌ترین دستورالعملی است که ممکن است فردی برای مبارزه با حرکت‌های جهادی مانند القاعده و دولت اسلامی و غیره با آن همراهی کند. چرا که، تلفیق نظام‌های خودکامه‌ی عربی و میلیتاریسم آمریکایی بود

که عملاً این جنبش‌ها را تغذیه کرد و به آن‌ها اجازه داد تا گسترش یابند. در اینجا لازم است فرآیندی هوشمندانه‌تر و واقع‌گراتر وجود داشته باشد که به مردم خاورمیانه اجازه دهد تا این تهدیدات را به عقب برانند. لازم است که با این جهادی‌ها مبارزه شود. نمی‌گوییم که در کناری بنشینید و هیچ کاری انجام ندهید، باید با این افراد بجنگید و ریشه‌کن‌شان سازید؛ چرا که واقعا هولناک‌اند. و نهایتاً این‌که، مردم منطقه بیش از هر کس دیگر [از این وضعیت] رنج می‌برند.

ایمی گودمن: **رامی خوری**، یکی از مواردی که موجب جلب توجه ایالات متحد گردید - البته دو مورد - به قتل رساندن ژورنالیست‌های آمریکایی بود، گردن زدن ژورنالیست‌های ایالات متحد. **ایندپندنت** مقاله‌ی بسیار جالبی منتشر کرد: «کدام یک انسان‌های بیشتری را گردن می‌زند: دولت اسلامی یا حکومت عربستان سعودی؟». در آن مقاله آمده است که طی ۲۱ ماه بین دستگیری جیمز فولی در سال ۲۰۱۲ و گردن زدن وی از سوی نظامیان دولت اسلامی در آگوست ۲۰۱۴، عربستان سعودی ۱۱۳ نفر را گردن زده است. در مقاله آمده است که این رقم «شامل اعدام‌های احتمالی در انتهای سال ۲۰۱۲ نمی‌شود. غالب این گردن زدن‌ها در انتظار عمومی در میدان **چاپ-چاپ** در ریاض و در خصوص جرم‌هایی نظیر کفر یا توهین به مقدسات، قاچاق مواد مخدر، اغتشاش و جادوگری به اجرا درآمده است. اگر چه در خصوص جرایم خاصی از قبیل **زنای محصنه**، مراجع قضایی ممکن است حکم به سنگسار داده باشند».

رامی خوری: این شکل بسیار قدیمی از عدالت اسلامی، به مدل وهابی‌اش در قرن هجدهم است که بخش اعظم مسلمانان سراسر جهان فکر می‌کنند که باید در همان قرن هجدهم باقی می‌ماند. تعداد بسیار کمی هستند، تقریباً هیچ کس در سراسر جهان، به استثنای این سعودی‌ها و لین اعضای دولت اسلامی و **جاکارتا** - مردم **جاکارتا** دیگر آن را انجام نمی‌دهند - به چنین اقدامی مبادرت نمی‌ورزد. من به طور خاص بر روی این موضوع تمرکز نمی‌کنم. به نظر من، نسبت به کسانی که از سوی سعودی‌ها کشته شده‌اند، افراد بسیار بیشتری توسط هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی کشته شده‌اند و بیگناه بوده‌اند. و این، نظام قضایی سعودی‌هاست. شاید ما از آن خوشمان نیاید. آن‌ها احياناً تمایل ندارند که، آدم‌ها را هر دو ماه یک‌بار در تگزاس بر روی صندلی الکتریکی قرار دهند. بنابراین اختلافی کیفی میان آن چه که از آن سخن می‌گوییم وجود دارد. من به ویژه با روشی که سعودی‌ها گردن می‌زنند، به عنوان فرمی از عدالت و منع از طریق ارباب و تهدید مخالف هستم؛ چرا که کارایی ندارد. [یعنی] بسیار بیشتر از صندلی‌های الکتریکی ایالات متحده [ناکارآمد است].

ایمی گودمن: **والته** ژورنالیست‌ها **بالاپوش‌های نارنجی رنگ** به تن دارند که یادآور **گوانتاناموست**.

رامی خوری: اوه بله، البته. ببینید، آن کاری که اعضای دولت اسلامی انجام می‌دهند، نوعی سیخونک زدن به اوباما است. آنان می‌گویند: «نگاه کن، تو ما را می‌کشی، ما هم تو را می‌کشیم. تو ما را مجبور می‌کنی که **بالاپوش‌های نارنجی** به تن کنیم، ما هم می‌خواهیم همین کار را با مردم تو انجام دهیم.»

البته ژورنالیست‌های بی‌گناه نباید دستگیر یا کشته شوند؛ و یقیناً نباید به زندان بیافتند، چنان‌که در مصر در زندان هستند؛ [مصری که] دوست بزرگ ایالات متحد است. البته بین این چیزها خطوط موازی بسیاری واقع است، اما هر کدام از آن‌ها با دیگری متفاوت است. ما نباید ایالات متحد را از لحاظ کیفی

با عربستان سعودی و دولت اسلامی قیاس کنیم. آن‌ها کاملا متفاوت‌اند. با این حال، میان آنها رگه‌ی مشترکی وجود دارد: استفاده از قدرت نظامی و اقدامات افراط‌گرایانه در شکل شکنجه و قتل و ترورهای که تقریباً همواره نتیجه‌ی معکوس به بار می‌آورد. شما نمی‌توانید از یک جامعه‌ی آراسته برخوردار باشید مادامی که شدیداً بر میلیتاریسم و مرگ به مثابه فرمی از منع تکیه می‌کنید.

اما مشکلی که پیشاپیش وجود دارد این است: در مورد این دولت اسلامی چه باید بکنیم؟ این اشخاص در حال گسترش قلمرو خود هستند. آنان قواعد خود را با زور و ارباب مردم تحمیل می‌کنند. تعداد بسیار کمی با آغوش باز آن‌ها را می‌پذیرند. آدم‌های ساده انتخاب دیگری ندارند. به خصوص وقتی که از سوی نیروهای فاتح [داعش] با تهدید به مرگ مواجه می‌شوند.

و این گروه صرفاً قادر است در مناطق آشوب زده عمل کند. ایالات متحد و دیگران، انگلستان، طی ۲۰ سال اخیر به پیدایش این نواحی آشوب‌ناک در افغانستان و اخیراً در عراق یاری رسانده‌اند.

در واقع، در قبال این وضعیت مخوف که در آن قرار داریم مسئولیت‌های مشترک بسیاری وجود دارد. اما آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است، این است که باید تشخیص دهیم که چگونه با این دو مسأله‌ی اساسی بکنیم؛ [جنگی که] / اواما به عنوان استراتژی خود کماکان تکرار می‌کند. از دو مشکل واقعی، یکی رژیم‌ها و سیستم‌های حکومتی عرب خودکامه، غیردموکراتیک، شیاد، فاسد، کاملاً ناکارآمد و بی‌کیفیت است و دیگری، استفاده‌ی مکرر از نیروی نظامی آمریکا، انگلستان، اسرائیل و دیگران در راستای تلاش برای تحمیل گونه‌ای نظم است که غرب و اسرائیلی‌ها و ... احساس می‌کنند که برای آن‌ها مناسب است. این دو مشکل، دلیل ریشه‌ای تمامی این مسائلی است که در حال حاضر مشاهده می‌کنیم. دولت اسلامی صراحتاً دردمونی [سیمپتوم] از این نوع مشکلات ناشی از سالیان متمادی حکمرانی بد است.

* * *

منبع:

مطلب فوق ترجمه‌ای است از متن مصاحبه‌ی *ایمی گودمن با رامی خوری* در وبسایت Democracy Now. عنوان اصلی مطلب چنین است:

[U.S. Militarism Brings Chaos: As Obama Plans a War on ISIS, a Call for a Middle East-Led Response](#)